

# تحلیل مفهومی آزادی مذهب در اسناد بین المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران<sup>۱</sup>

علی اکبر گرجی آزتدریانی<sup>۲</sup>

امید شیرزاد\*

مرتضی روشنایی\*\*

## چکیده

در جهان معاصر، شناسایی و تضمین حقوقی آزادی عقیده و مذهب، از بایسته های پاسداشت منزلت انسانی به شمار می رود. نوشتار حاضر در پی تحلیل مفهومی این آزادی و تبیین گستره ی حقوقی آن به رشته ی تحریر درآمده و در این راستا، ابعاد اساسی آزادی مذهب، نظیر حق بر انتخاب و تغییر مذهب، آزادی ابراز تجلیات دینی و ممنوعیت تحمیل عقیده و اعمال تبعیض مذهبی را با عنایت به اسناد بین المللی حقوق بشر و منابع الزام آور حقوق داخلی مورد بررسی قرار داده است. رهیافت نوشتار آن است که اکثر مؤلفه های پیشین در دستگاه فقهی - حقوقی کشورمان قابل بازیابی به نظر می رسند، منتهی به اقتضای ماهیت و ساختار مکتبی نظام سیاسی ایران، رسمیت مذهب شیعه امامیه و حاکمیت موازین اسلامی بر سیاستگذاری ها، قانونگذاری و اداره ی امور عمومی، برخی تعارضات بین آزادی مذهبی در گفتمان حقوق بشری و نظام حقوقی ایران وجود دارد که دلیل آن را بایستی در جهان بینی و رویکرد فکری - فلسفی متفاوت اسلام و غرب جستجو کرد.

**کلید واژگان:** آزادی مذهب، دین اسلام، اسناد حقوق بشری، قانون اساسی

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۵

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

\* کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

اندیشیدن و دارای عقیده بودن، از اوصاف بارز بشر و مصداق حیات معنوی انسان و متمایزکننده ی وی از سایر جانداران است. قرآن کریم، بی خردان و انسانهای بدون دغدغه ی فکری و عقیدتی را در شمار بهایم مورد عتاب قرار داده<sup>۱</sup> و در آیات متعدّد، دعوت به تفکر و انتخاب بهترین عقیده نموده است.<sup>۲</sup> آزادی عقیده ممکن است در نگاه اول امری صرفاً فردی به نظر رسد، لکن با توجه به طبیعت انسان که تنها در برگیرنده ی فکری مجرد نیست و در روابط اجتماعی خود در پی انتشار آن نیز هست، مشخص می شود که موضوع دارای بُعد اجتماعی نیز می باشد و با داشتن اثرات احتمالی مخرب یا سازنده، می بایست مورد توجه نظام سیاسی و حقوقی کشورها قرار گیرد. مسئله آزادی عقیده و مذهب، واجد چالشی طولانی بوده و سیری اجمالی در تاریخ، مصادیقی از آزاد منشی کوروش در مواجهه با سایر مذاهب و معابد تا تجربه های ناگوار محاکمات مذهبی و برگزاری دادگاههای تفتیش عقاید در اروپای قرون وسطی را به همراه دارد. پس از گذر از مجاری سخت و تاریک تاریخ، امروزه انواع بشر از برکت رشد فکری توده ها و تعالیم اخلاقی و به رسمیت شناختن کرامت، امنیت و آزادی به عنوان اساس حیات جامعه انسانی، برای همزیستی مسالمت آمیز و اعتلای آن می کوشند و آزادی عقیده، مذهب و تجلیات دینی در این بین، به منزله ی یکی از متعالی ترین حقوق و آزادی های اساسی و جلوه ای از حق تعیین سرنوشت افراد؛ خضوع و تسلیم کانونهای قدرت در سراسر دنیا را می طلبد و سعی دارد با اتکاء و استناد به اسناد بین المللی، جای خود را در نظام حقوق عمومی کشورها باز کرده و وزینت بخش آن قرار گیرد. نوشتار حاضر بر آن است تا با کاوش های حقوقی در اسناد بین المللی حقوق بشر و منابع الزام آور حقوق داخلی، طی شش گفتار، چستی، چرایی و گستره ی مفهومی آزادی مذهب را مورد تحلیل قرار دهد و جایگاه آن در حمایت از حقوق ادیان و دین باوران را در حد بضاعت روشن سازد.

### گفتار اول ( حق بر انتخاب مذهب و ممنوعیت اجبار و تحمیل عقیده

اندیشه ها و اعتقادات تا چهره درونی و خصوصی دارد، جزئی از پیکر و ذات و سرشت انسان است. همان گونه که بر کسی نمی توان خرده گرفت که چرا قدی کوتاه یا سیمایی ناخوشایند دارد، نمی توان بر او تاخت که چرا چنین می اندیشد. دولت می تواند اطاعت از قانون را از مردم بخواهد تا نظم اجتماعی برهم نخورد، ولی اعتقاد را به زور نمی توان تحمیل کرد؛ چرا که در پیشگاه وجدان، منطق زور خریدار ندارد و دولتهایی که خواسته اند برخلاف این مسیر طبیعی گام بردارند و مردم

۱- إِنَّ الشَّرَّ الدَّوَابَّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبِكْمِ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ( انفال/ ۲۲)

۲- قَبَسْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ احسنه. (زمر/ ۱۷)

را اجبار به اعتقاد کنند، توفیقی در خور نداشته اند<sup>۱</sup>. حقّ برانتخاب مذهب، مظهری از اعمال حق تعیین سرنوشت است و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) در این باره صراحت دارند؛ صدر ماده ی هجده اعلامیه جهانی حقوق بشر به شرح « هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود.....» و بند یک ماده ی هجده میثاق حقوق مدنی سیاسی به شرح « هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات به انتخاب خود می باشد... » آزادی انسان در پذیرش عقیده و مذهب را مقرر می دارند. از سوی دیگر، حق برانتخاب مذهب، ممنوعیت اجبار و تحمیل عقیدتی - مذهبی را به ذهن متبادر می سازد. در این مورد، بند دوم ماده ی ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به شرح « هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد » به روشنی ناظر بر منع تحمیل عقیده و اجبار در پذیرش عقیده و مذهب است. به نظر می رسد برای تحقق هر چه بهتر اهداف میثاق، اجبار بایستی به گونه ای تفسیر شود که علاوه بر اجبار فیزیکی و مادی، اجبار روانی را نیز شامل گردد. اعلامیه حقوق بشر اسلامی در دهمین ماده ی خود، علاوه بر اکراه، عاملی معنوی و روانی را نیز متذکر می گردد: « اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره برداری از فقر یا جهل او برای تغییر دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نیست. »

از نظر دین مبین اسلام، اصل مترقی لزوم تفکر در پذیرش عقیده و مذهب، نه تنها آزاد؛ بلکه لازم نیز می باشد. دعوت به تفکر و اندیشه برای انتخاب احسن اقوال و افکار، در قرآن کریم مورد توصیه ی مؤکد قرار گرفته است<sup>۲</sup>. اکثریت قریب به اتفاق مراجع عظام تقلید نیز، تقلید در اصول دین را جایز نمی شمارند و معتقدند که مرحله ی ابتدایی ایمان و اعتقاد قلبی، می بایست مبتنی بر دلیل و آگاهی باشد نه تقلید. در زمینه ممنوعیت تحمیل عقیده مذهبی، اشاره به آیاتی چند از قرآن کریم خالی از لطف به نظر نمی رسد: « لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی...»<sup>۳</sup> (کار دین به اجبار نیست، حقیقتاً راه هدایت و ضلالت روشن گردیده است) « فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ »<sup>۴</sup> (هر که می خواهد ایمان آورد و هر که می خواهد کافر شود) خداوند متعال، رسالت اصلی پیامبر را تبلیغ و نه تحمیل دین قرار داده است و وی را از اجبار کفار به ایمان آوردن باز می دارد: « ولو شاء ربک لآمن من فی الارض کلهم جمیعاً أفأنت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین »<sup>۵</sup> (و اگر خدای تو [در مشیت ازلی] می خواست، اهل زمین همه یکسره ایمان می آوردند، آیا تو می خواهی تا به جبر و اکراه همه را مؤمن و یکتا پرست قرار

<sup>۱</sup> - کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۶، صص ۴۴۱-۴۴۰

<sup>۲</sup> - قل هل یتسوی الاعمی والبصیر أفلا تتفکرون (انعام/ ۵۰)

<sup>۳</sup> - بقره/ ۲۵۶

<sup>۴</sup> - کهف/ ۲۹

<sup>۵</sup> - یونس/ ۹۹

دهی؟! « وما علی الرسول الا البلاغ<sup>۱</sup> » (بر پیامبر جز تبلیغ، وظیفه ای نیست). در این باره ممکن است در مورد جهاد با کفار شبهه ای مطرح شود که قتال با آنان آیا به منزله ی سلب آزادی مذهبی و تحمیل اسلام است یا خیر؟

با تأمل در آیات قرآن کریم مشخص می شود که آنچه در زمینه ی لزوم جهاد با کفار مطرح شده، متضمنِ وجوب دفاع و مقابله با ستمگران و کسانی که مانع نشر عقیده ی توحیدی شده و آزادی مذهبی موحدین را سلب و آنان را مورد آزار قرار می دهند می باشد و هدف اصلی جهاد، مقابله و تلاش برای احقاق حقوق مشروع مسلمین است نه تحمیل عقیده. آیات نهم و دهم سوره ی ممتحنه به روشنی گواه بر این ادعاست: « خداوند شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننموده اند، نهی نمی کند که به آنان نیکی کنید و به عدالت رفتار نمایید که خداوند مردم با عدل و داد را بسیار دوست می دارد؛ و تنها شما را از دوستی کسانی که در دین با شما قتال کرده و از وطنتان بیرون کردند و بر بیرون راندن شما هم پیمان گردیدند، نهی می کند. » در دوره ی بسط اسلام و تثبیت قدرت حکومت اسلامی به ویژه پس از فتح مکه، اسلام طبعاً در برابر مخالفان و کسانی که می خواستند مانع نفوذ و گسترش آن بشوند ایستاد و در برابر کفار پیمان شکن که در مقام عهد شکنی برآمده بودند، سخت موضع گرفت و آیات شدیداللحن سوره توبه خطاب به مشرکین خیانتکار پیمان شکن در سال نهم هجری نازل شد و به آنها اعلان جنگ داد و مسلمانان را به مبارزه با آنان برانگیخت؛ اما در همان حال هم از هیچ یک از آیات قرآنی بر نمی آمد که اسلام می خواهد به زور می خواهد کسی را وادار به پذیرفتن دین کند و یا نفسِ عدم پذیرش اسلام موجب جنگ با آنها شده باشد، بلکه در همان حال در آیه ۷ سوره توبه خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: « و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد؛ به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود و پس از آن، او را به محل امنش برسان ... » و نمی گوید تا دین اسلام را انتخاب نکرده رهایش نکن.<sup>۲</sup>

### گفتار دوم) آزادی تجلیات دینی و انجام مراسم مذهبی

مذهب را نمی توان در چارچوب اندیشه محصور کرده یا آن را به باورهای محض اعتقادی و تجربه های درونی فروکاست. اندیشه و اعتقاد مذهبی نهایتاً دارای جنبه های رفتاری ویژه ای خواهد بود (وجهه بیرونی دین و دینداری)؛ بنابراین نمی توان مدعی تفکیک مطلق بین دو حوزه عقیده و رفتار شد. اندیشه مذهبی را نیز نمی توان به صورت مطلق از رفتار مذهبی منفک

۱ - مائده/۹۹

۲ - مهرپور، حسین، دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، شماره ۲۷، ص ۶۶

کرد. نتیجه آنکه تضمین آزادی مذهبی باید توأمان در دو حوزه اندیشه و رفتار صورت پذیرد<sup>۱</sup>. ماده ی ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از تصدیق استحقاق بشر برای بهره مندی از آزادی فکر و مذهب، این حق را شامل آزادی اظهار عقیده و ایمان و آزادی تعلیمات و اجرای مراسم دینی به صورت انفرادی یا جمعی دانسته است. ذیل بند یک ماده ی ۱۸ میثاق حقوق مدنی سیاسی نیز، انجام عبادات و آداب و تعلیمات مذهبی را علناً و یا در خفا به طور فردی یا جمعی، به رسمیت شناخته است. ضمناً بند ۴ همین ماده، دولت‌های طرف میثاق را متعهد می کند که آزادی والدین و حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان در آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق اعتقادات خودشان را محترم بشمارند. اعلامیه ی امحاء تمامی آشکال نابردباری مذهبی مصوب ۱۹۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> در این باره ابتکار عمل بیشتری انجام داده و در ششمین ماده ی خود، با بیان مصادیق آزادی تجلیات دینی و انجام مناسک مذهبی، تحقق واقعی آزادی فکر، وجدان و مذهب را شامل موارد زیر می داند:

الف) عبادت یا اجتماع در ارتباط با دین یا عقیده و تأسیس و نگهداری مکانهایی برای این اهداف

ب) تأسیس و نگهداری مؤسسات خیریه و بشردوستانه ی مقتضی

ج) ساختن، به دست آوردن و استفاده از مقدار مناسب مواد و لوازم مربوط به مراسم و آئین های مذهبی

د) نوشتن، نشر و پخش نشریات مناسب در این مورد

ه) تعلیم دین یا عقیده در مکانهای مناسب برای این اهداف

و) درخواست و دریافت کمک های مالی داوطلبانه و سایر مشارکتهای توسط افراد و مؤسسات

ز) مراعات ایام استراحت، بزرگداشت اعیاد و مراسم طبق عقیده ی هر فرد

ط) برقراری و حفظ ارتباط با افراد یا جوامع دیگر در امور مربوط به دین یا عقیده در سطح داخلی و بین المللی

در واقع آزادی مراسم و فرائض مذهبی، علاوه بر انجام مراسم و تشریفات مذهبی، شامل آزادی تشکیل مجامع مذهبی، نگاهداری معابد و امکنه و محل های مذهبی، آزادی تعالیم، انتشارات و تبلیغات مذهبی و آزادی مسافرت های زیارتی است<sup>۳</sup>.

۱- گرجی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۶۴

۲- این سند بین المللی هشت ماده ای که به طور خاص، ناظر بر بردباری و آزادی عقیدتی و مذهبی است، در پایان نوشتار ضمیمه گردیده است.

۳- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۹۶

از جمله آزادی هایی که بر اساس تعالیم اسلامی و بر اساس قراردادی موسوم به ذمه برای اقلیتهای مذهبی یهودی، مسیحی و زرتشتی مورد شناسایی قرار گرفته است، آزادی ابراز اعتقادات دینی و انجام مراسم مذهبی با امنیت کامل بصورت انفرادی یا جمعی در معابد و اماکن مخصوص خویش است. قرآن مجید در صورتی از هم پیمانان اهل کتاب (اهل الذمه) در جامعه اسلامی حمایت می کند که آنان متعهد شوند اولاً به عنوان یک اقلیت سالم، دست از هرگونه جنگ و جدال و تبلیغ برضد مسلمانان بردارند و ثانیاً، به نشانه تسلیم و خضوع، به دست خود مبادرت به پرداخت جزیه (خراج و مالیات) بنمایند. در این صورت، جامعه اسلامی تکالیف متعددی را نسبت به آنان برعهده می گیرد؛ از جمله آنکه: جان، مال، مسکن، فرزندان و ناموس آنان از تعرض مصون است؛ عقاید مذهبی این اقلیت ها آزاد است و اسلام به زور متعرض آنها نمی شود، زیرا در دین اکراهی نیست، البته در عین حالی که عقاید اهل کتاب مورد احترام است، مسلمانان موظفند در مقام ارشاد و هدایت، آنان را تنها از راه برهان و موعظه و نصیحت و بحث و مناظره نیکو، به سوی اسلام دعوت کنند<sup>۱</sup> و از مجادله توأم با خشونت نسبت به آنان پرهیز نمایند. به علاوه، معابد و اماکن مقدسه ی اهل کتاب مورد احترام مسلمین است و قرآن مجید یکی از زمینه های جهاد علیه اشراک را حفظ همه اماکنی می داند که پیروان ادیان توحیدی به عبادت می پردازند و نام مبارک خداوند را بر زبان می آورند<sup>۲</sup>. در ادامه، قسمتی از عهد نامه ی در خورتوجهی که پیامبر اسلام (ص) در سال دو هجری برای مسیحیان سرزمین سینا نوشته اند و به روشنی متضمن همزیستی مسالمت آمیز مسلمین با آن مردمان است را متذکر می شویم: «... من عهد می کنم کشیش و راهب آن را تغییر ندهم و اشخاص تارک دنیا را از صومعه نرانم و مسافر را از سفر باز ندارم، معابد و خانه های آنها را خراب نکنم و چیزی از کلیساهای آنان، برای ساختمان مساجد نیاورم و هر کس از مسلمانان چنین کند پیمان خدا را شکسته است؛ به هیچ یک از آنان نباید زور گفته شود و بایستی با مدارا با آنان رفتار شود و آزاری به آنها نرسد و هر جا باشند محترم خواهند بود ..<sup>۳</sup>»

### گفتار سوم) برابری و عدم تبعیض مذهبی

اصل ممنوعیت تبعیض<sup>۴</sup>، زیربنای نظام حقوق بین الملل بشر را به خود اختصاص داده است. منشور ملل متحد، ضمن اعلام ایمان خود به حقوق اساسی بشر، به موجب بند ۳ ماده ی یک، «پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی

<sup>۱</sup> - أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... (نحل/ ۱۲۵)

<sup>۲</sup> - هاشمی، سید محمد، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، جلد اول (اصول و مبانی کلی نظام)، ۱۳۸۵، صص ۱۸۰-۱۷۹ ... و لولا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ (حج/ ۴۰) برای اطلاع بیشتر در این زمینه رک به

: عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۲، حقوق اقلیتها بر اساس قرارداد ذمه، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول

<sup>۳</sup> - زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه ی جواهر کلام، علی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۴۵، ص ۱۲۰

<sup>۴</sup> - Non discrimination principle

برای همه بدون تمایز مبتنی بر نژاد، جنس، زبان یا مذهب» را از جمله اهداف سازمان ملل متحد برشمرده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به مثابه اولین سند حقوق بشری نظام ملل متحد، اولاً و بالذات، اصل برابری و عدم تبعیض را در نص دومین ماده ی خود، بدین شرح جایگاهی مستحکم عطا نموده است: «هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و نیز ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی هایی که در اعلامیه ی حاضر ذکر شده است؛ بهره مند گردد.» درگفتمان حقوق بشر، تبعیض مذهبی از یک سو ناقض اصل عام منع تبعیض در بهره مندی از حقوق و آزادی های اساسی و از سوی دیگر ناقض آزادی مذهب به طور خاص می باشد. در اکثر اسناد حقوق بشری، مذهب در کنار موضوعاتی دیگر نظیر نژاد، رنگ، ملیت و ... به عنوان یکی از مواردی که نمی تواند منشأ تفاوت و تبعیض در بهره مندی از حقوق انسانی باشد، مورد تأکید قرار گرفته است. تبعیض مذهبی مصادیق گوناگونی دارد و می تواند بین اقدامات مستقیم نظیر اعمال خشونت و حتی مجازات نسبت به پیروان مذاهب خاص تا اقدامات غیرمستقیم در زمینه های استخدامی و فرهنگی، سیر داشته باشد. گفتنی است که در نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیش بینی یک یا چند مذهب خاص به عنوان دین رسمی کشور به عنوان یک واقعیت اجتناب ناپذیر به نوعی پذیرفته شده است؛ اما کمیته تأکید دارد که این واقعیت نباید به هیچ وجه منجر به نقض حقوق و آزادی های پیروان سایر مذاهب گردد.<sup>۱</sup>

سیری اجمالی در احکام اسلام مؤید آن است که برابری و عدم تبعیض مذهبی و شناسایی حقوق برابر برای انسان به صرف انسانیت و فارغ از عقیده و مذهب وی، اساساً مورد پذیرش قرار نگرفته است.<sup>۲</sup> بنیان گفتمان حقوق بشر در جهان معاصر، شناسایی، تضمین و احترام به حقوق و آزادی های اساسی انسان صرف نظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان و مذهب اوست؛ حال آنکه در گفتمان اسلامی، این ایمان و اسلام است که منشأ حقوق<sup>۳</sup> است نه صرف انسانیت انسان و آحاد بشر از حیث اینکه چه دینی دارند، از حقوق متفاوت برخوردارند.<sup>۴</sup> لذا می توان اذعان داشت که برابری و عدم تبعیض مذهبی چه به عنوان یک مفهوم کلیدی در حقوق بشر و چه به طور خاص، به عنوان یکی از بایسته های مفهومی آزادی مذهبی، با احکام اسلام در تعارض است.

<sup>۱</sup> - General Comment No. 22 : Article 18 (Freedom of Thought, Conscience or Religion) Adopted at the Forty-eighth Session of the Human Rights Committee on 30 July 1993

<sup>۲</sup> - از جمله می توان به احکام مربوط به نکاح، ارث، قصاص نفس یا عضو، مقدار دیه، حد قذف و ... اشاره داشت که در آنها، تفاوت های دینی و مذهبی منشأ تبعیض های حقوقی می گیرد.

<sup>۳</sup> - Rights

<sup>۴</sup> - کدیور، محسن، حق الناس (اسلام و حقوق بشر)، تهران، نشر کویر، چاپ چهارم، ۱۳۸۸، ص ۹۳

## گفتار چهارم) حق بر تغییر مذهب

در بحث پیرامون آزادی مذهب، حق بر تغییر مذهب از حساس ترین مسائل به شمار می رود. بند یک ماده هجده اعلامیه ی جهانی حقوق بشر به صراحت، داشتن آزادی عقیده و مذهب را مستلزم داشتن حق تغییر دین می داند: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق مستلزم آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین آزادی اظهار عقیده می باشد...» با وجود این، مقررات مشابه در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه ی امحاء نابردباری مذهبی به گونه ای تدوین یافته اند که عبارت روشن اعلامیه جهانی حقوق بشر را با ابهام روبرو ساخته و در فحوای صریح آن تردید ایجاد کرده اند. بندیک ماده ی هجده میثاق حقوق مدنی سیاسی اشعاری دارد: «هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات به انتخاب خود می باشد...» بند یک نخستین ماده ی اعلامیه ی امحاء نابردباری مذهبی نیز در این زمینه مقرر می دارد: «هر کس حق آزادی فکر، وجدان و دین دارد. این حق شامل آزادی داشتن دین یا هر عقیده ای به انتخاب خودش می باشد.» با مذاقه بر روند مذاکرات بین المللی مربوط به تصویب این اسناد، به نظر می رسد که مقررات لاحق بر اعلامیه، به منظور جلوگیری از سوء استفاده هایی که ممکن است از سوی برخی مؤسسات تبلیغی و استعماری و میسیونرها در کشورهای اسلامی برای تغییر دین و مذهب افراد متبوع دولت اسلامی، با استفاده از احتیاج و اضطراب آنها صورت گیرد، تصویب شده و عبارات آنها به گونه ای است که هم بر آزادی مذهب و عقیده دلالت داشته باشد و هم راه را برای اجبار ناروا به افراد برای تغییر دینشان مسدود نماید. البته کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بر این باور است که حق انتخاب و تغییر مذهب، هر کدام رویی از سکه ی آزادی مذهبی اند و نتیجه ی ضروری صرف پیش بینی حق انتخاب مذهب دلخواه که در ماده ی هجده میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده، حق بر تغییر مذهب و عقیده است. در ادامه به بررسی دیدگاه اسلام در این زمینه خواهیم پرداخت.

ارتداد، از نظر لغوی به معنای بازگشت و از نظر فقهی به معنای رجوع به کفر است. دین اسلام موضوع پذیرش دین را مبتنی بر بیان حق می داند<sup>۱</sup> و معتقد است پس از بیان حق و راه حقیقی سعادت، مردم در پذیرش دین آزاد هستند که ایمان بیاورند یا انکار ورزند<sup>۲</sup>. همانطور که اظهار کفر به دلیل اکراه، شخص را کافر نمی سازد، اظهار ایمان از روی اجبار نیز، وی را مؤمن نخواهد ساخت. در تحلیل نسبت میان منع ارتداد و آزادی مذهبی می توان بیان داشت همانگونه که در ابتدای پذیرش دین، اصل ممنوعیت اجبار مطرح است و ایمان حقیقی از دسترس اجبار و اکراه خارج دانسته می شود، اجبار در بقاء و استمرار ایمان نیز ممکن و کارساز نیست و تا جایی که ارتداد، محدود به ایمان معنوی فرد و رابطه ی قلبی اش با خداوند باشد، اجبار سودی

<sup>۱</sup> - أَدْعَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (نحل/۱۲۵)

<sup>۲</sup> - إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان/۳)



نخواهد داشت و به نوعی فرد را باید به حال خود گذاشت تا از میان سعادت و شقاوت یکی را برگزیند. قرآن کریم نیز مجازات مرتدان را کیفر اخروی دانسته و از مجازات دنیوی سخنی بیان نداشته است.<sup>۱</sup> در مقابل، چنانچه ارتداد از قلمرو ایمان قلبی و رابطه‌ی فرد با پروردگارش خارج شود و به اقداماتی به زیان جامعه و دولت اسلامی منجر گردد، دیگر صرف عنوان گناه بر آن صدق نمی‌کند؛ بلکه گناهی است که به جرم تبدیل می‌شود و قابل مجازات است. به دیگر سخن، تبدیل ایمان به کفر دو گونه می‌تواند باشد: اول به واسطه مباحث نظری، علمی و تحقیقی و لو به غلط، فرد به انکار خدا و آخرت و نفی اسلام یا شک در حقایق اسلام برسد (ارتداد نظری و عقیدتی)، دوم به واسطه شهوت عملی، انحراف سیاسی، تسویلات شیطانی و دنیا پرستی که فرد در عین شناخت حق، آنرا زیر پا بگذارد و تغییر دین بدهد، یعنی ارتداد به واسطه منافع مادی باشد نه از شبهات علمی (ارتداد عملی و سیاسی)<sup>۲</sup>.

لذا به نظرمی رسد آن دسته از روایاتی<sup>۳</sup> که مجازات مرتد را قتل دانسته، منصرف به کسانی است که به اقدامات عملی علیه نظم و امنیت عمومی حکومت اسلامی دست می‌زنند<sup>۴</sup> و با توجه به نامعلوم بودن اطلاق روایات در مورد هر دو نوع ارتداد اخیرالذکر، شایسته است با استناد به قاعده "الحدود تدرء بالشبهات"<sup>۵</sup>، مرتد نظری و عقیدتی را مشمول حد ارتداد ندانیم تا شاید با روشهای ارشادی به آغوش اسلام باز گردد.

### گفتار پنجم ( محدودیتهای حقوق و آزادی های مذهبی

گفتمان بردباری مذهبی، هرگز به معنای تساهل و تسامح مطلق نسبت به تمامی عقاید موجود در جامعه نیست. اندیشمندان و آزادی خواهانی هم که آزادی مذهب را بعنوان یکی از حقوق و آزادی های اساسی بشر مطرح کرده اند، عقاید فتنه انگیز و مغایر با اصول کلی اخلاقی جامعه که از لوازم و ارکان نظم عمومی است را بر نمی‌تابند. ازسوی دیگر، وظیفه‌ی دولت

<sup>۱</sup> - و مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ فِيمَتٍ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره/۲۱۷) « و هر کس که از شما از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد، اعمالش در دنیا و آخرت باطل گردیده است و اینان دوزخی اند و جاودانه در آنند. »

<sup>۲</sup> - کدیور، همان، ص ۲۰۴

<sup>۳</sup> - از جمله مستندات مجازات مرتد در فقه شیعه، معتبره‌ی عمار ساباطی است: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: « هر مسلمانی بین مسلمانان که از اسلام خارج شود و نبوت محمد(ص) را انکار کند و او را تکذیب کند، خونسش برای هر کس که از او شنیده باشد، مباح است و همسرش از روز ارتداد از او جدا می‌شود و مالش میان ورثه اش تقسیم می‌شود و همسرش عده وفات می‌گیرد و بر امام لازم است که او را بکشد و استتابه نیز نکند. « الکافی، ج ۷، ص ۲۵۷، حدیث ۱۱ و مَنْ لَا يُحْضِرُهُ الْفَقِيهَ، ج ۳، ص ۹۸، حدیث ۳۳۳

<sup>۴</sup> - هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۳۳۲-۳۳۱

<sup>۵</sup> - قاعده‌ی درآ از جمله اسباب سقوط مجازات در نظام حقوق کیفری ایران است و مطابق ماده‌ی ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱: « هرگاه وقوع جرم یا برخی شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری، مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود. »

برای تأمین حقوق و آزادی های اساسی آن است که به نحو شایسته ای بین منافع فرد و مصالح عمومی موازنه ایجاد کند و در صورت لزوم ، آزادی های فردی را با توجه به آزادی های دیگران و اقتضائات جامعه تعدیل نماید . منتهی بایستی توجه داشت که ایجاد محدودیت ، برای مرزبندی میان یک حق با حق دیگر است نه اینکه بهانه ای باشد تا با استناد به آن ، بتوانیم اصل حق را نادیده بگیریم . به دیگر سخن ، نقض حقوق مدنی و سیاسی ، همانا مداخله تحدیدی دولت ها در حوزه آزادی ها است ، لذا لازمه این حق ها ، محدود کردن قدرت مداخله ناموجه دولت ها است<sup>۱</sup> . پذیرش حدود و قلمرو برای آزادیها، به معنای امحای اصل آزادی نیست . در عرصه حقوق اساسی و عمومی، ظریف ترین کارها جمع بین اصول و استثناهاست . ظاهراً اجماعی در این زمینه وجود دارد که حق ها و آزادی ها نسبییت پذیر هستند. اما مسأله این است که چه مواردی و چگونه این آزادی ها و حق ها را نسبی و محدود می کنند و دیگر اینکه، چه کسانی صلاحیت اعمال این محدودیت ها را دارند<sup>۲</sup>.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند دو ماده ی بیست و نه ، بصورت کلی محدودیت های مجاز برای حقوق و آزادی های اساسی را بدین شرح بیان می کند : « هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود ، تنها تابع محدودیتهایی است که به وسیله ی قانون و منحصراً برای شناسایی و رعایت حقوق و آزادی های دیگران و برای رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی ، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه ی دموکراتیک وضع شده است. » میثاق حقوق مدنی و سیاسی به جای وضع یک ماده ی کلی درباره ی محدودیتها ، شیوه ی وضع محدودیتهای خاص را در پیش گرفته است . این محدودیتهای خاص نسبت به آزادی مذهب ، دربند سوم ماده هجده میثاق بدین شرح بیان گردیده است : « آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات را نمی توان تابع محدودیتهایی نمود ، مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت ، نظم ، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد. » در درک محدودیت های مقرر در بند سوم ماده هجده

---

<sup>۱</sup> - قاری سید فاطمی ، سید محمد ، حقوق بشر در جهان معاصر ، تهران ، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش ، چاپ سوم ، دفتر یکم ، ۱۳۹۰ ، صص ۶۱-۶۲

امروزه سخن از نسل های سه گانه حقوق بشری است . منظور از نسل اول حقوق بشر ، همانا حق ها و آزادی های مدنی - سیاسی است . حق هایی از قبیل آزادی های مذهبی ، آزادی بیان ، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل ، حق رأی ، آزادی تردد و انتخاب محل اقامت به این نسل از حقوق بشر تعلق دارد . حق های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در شمار حق های متعلق به نسل دوم حقوق بشر طبقه بندی می شوند . حق هایی از قبیل حق بهره مندی از آموزش و پرورش ، حق بهره مندی از مسکن ← مناسب ، مراقبت های بهداشتی ، حق بر کار ، حق بهره مندی از حداقل امکانات معیشتی ، مثالهای این نسل از حقوق بشر هستند . در حالی که نسل اول ، نوعاً بر عدم مداخله دولت و دیگر افراد تأکید دارد ، حق های نسل دوم ، مستلزم مداخله و حمایت دولت ها است . نسل سوم حقوق بشر ، ماهیتی جمع گرایانه دارد و حق هایی همچون حق بر محیط زیست سالم ، حق بر صلح و یا حق بر توسعه را در برمی گیرند .

<sup>۲</sup> - گرجی ، علی اکبر ، « آیا " تمسخر عقیده " آزادی بیان است؟ » ، خبرگزاری عصر ایران ، مهر ۱۳۹۱ ، کد خبر : ۲۳۲۱۵۸

میثاق، بایستی به ابعاد " خصوصی<sup>۱</sup> " و " عمومی<sup>۲</sup> " آزادی مذهب توجه داشت. بُعد نخست، ناظر بر " داشتن یا پذیرش<sup>۳</sup> " یک عقیده یا مذهب و بُعد اخیر، ناظر بر " ابراز<sup>۴</sup> " عقیده یا مذهب است. آنچه از اسناد حقوق بشری و نظریات تفسیری کمیته حقوق بشر ملل متحد قابل برداشت است، ممنوعیتِ مطلقِ تحمیلِ محدودیت بر بُعد شخصی و خصوصی آزادی مذهب توسط دولت و نظام حقوقی است. این نکته در بند دوم ماده ی هجده میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز انعکاس یافته و مقرر شده که هیچ کس نباید تحت اجباری قرار گیرد که به آزادی او در داشتن یا پذیرش یک عقیده یا مذهب به انتخاب خودش، لطمه ای وارد آورد<sup>۵</sup>. متعاقباً به بررسی اجمالی برخی موارد مجاز اعمال محدودیت در میثاق حقوق مدنی و سیاسی می پردازیم. در رابطه با قید ضرورت وضع قانون، این مؤلفه، امکان ایجاد محدودیتهای خودسرانه و سلیقه ای را تا حد زیادی از بین می برد و قید دموکراتیک بودن نظام قانونگذاری، اشاره ضمنی به بی اعتباری قوانین وضع شده در مجالس قانون گذاری نظامهای سیاسی غیر دموکراتیک دارد. تعریف دقیق و مشخص از مفهوم نظم عمومی همواره مورد اختلاف بوده، اما آنچه که عموماً مورد اتفاق نظر اندیشمندان حقوق بوده آن است که در حقوق داخلی، نظم عمومی شامل قواعد امری است که هدف آنها حفظ منافع عمومی و تأمین حسن جریان امور عمومی است که اراده ی فرد نمی تواند آنها را نقض نماید. نظم عمومی، پیش نیاز توسعه و توانمندی یک جامعه و شرط لازم بر خورداری از بسیاری مصادیق حقوق شهروندی است؛ به علاوه این مفهوم با سامانه ارزشی و هنجارهای مقبول اجتماعی نسبتی پایدار و محکم دارد و علی القاعده نمی تواند با وجدان جمعی جامعه در تعارض باشد. البته این مطلوبیت نباید مستمسک تعرض ناروا به حقوق و آزادی های اساسی گردد. از دیگر موارد موجه برای اعمال محدودیت بر آزادی های مذهبی، اخلاق عمومی است. اخلاق حسنه محصول فرهنگ جامعه است و طبعاً دولت ها می توانند با استفاده از مجوز بند سوم ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی سیاسی و برای جلوگیری از بروز چالش های دینی، تا جایی که به نقض مصادیق صریح آزادی مذهب در اسناد بین المللی خللی وارد نیاید، محدودیتهایی را در چارچوب قوانین دموکراتیک مقرر دارند. در مورد بهداشت و سلامت عمومی که مد نظر میثاق قرار گرفته اند، بدیهی است چنانچه آئین ها و مناسک یک مذهب هر چند هم در نظر معتقدین به آن مقدس تلقی شود؛ تهدید کننده ی بهداشت عمومی باشند، دولت در مقام حفظ منافع عمومی موظف به دخالت و اعمال محدودیت است. حقوق و آزادی های دیگران، آخرین موردی است که میثاق برای حمایت از آن، اعمال محدودیت بر آزادی مذهب را مجاز شمرده است. بنا بر یک اصل محکم و مفروض حقوقی، هیچ

۱ - private

۲ - public

۳ - have or adopt

۴ - manifest

۵ - G. Danchin, Peter, " Freedom of religion and the conflict of rights in International law", University of Maryland, school of law, legal studies research paper, volume 49, number 2, summer 2008, p260

کس نمی تواند با استناد به حق خویش ، حقوق دیگران را نادیده بگیرد و در جهت اضرار به منافع سایرین اقدام کند و دولت در این بین ، حافظ منافع عمومی در قبال تجاوزات فردی می باشد.<sup>۱</sup> این نگرانی که حقوق و آزادی های اساسی بشر همانگونه که ممکن است توسط دولتها نقض گردد ، ممکن است از سوی هموعش نیز پایمال شود؛ به خوبی مد نظر تنظیم کنندگان میثاق قرار گرفته است .

## گفتار ششم ) نگاهی بر آزادی مذهب و گستره ی آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

الف) در حق بر انتخاب مذهب و ممنوعیت اجبار و تحمیل عقیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و سوم مقرر می دارد : « تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض قرار داد . » به تصریح این اصل ، در نظام جمهوری اسلامی هر کس می تواند هر عقیده ، خواه مبتنی بر اندیشه ی اسلامی و خواه مبتنی بر اندیشه ای غیراسلامی و الحادی را دارا باشد و از این جهت کسی حق ندارد او را مورد تعرض و ایذاء قرار دهد . همانطور که پیداست ، این اصل همانند اسناد حقوق بشری که قبلاً مورد استناد و بررسی قرار گرفت ، بعد خصوصی و شخصی آزادی مذهب که ناظر بر پذیرش و داشتن هر عقیده ای است را محترم شماره و ممنوعیت مطلق تحمیل محدودیت بر این جنبه از آزادی مذهب توسط دولت و نظام حقوقی را مقرر داشته است . قرآن کریم نیز در آیه ۱۲ سوره ی حجرات در این باره می فرماید : « ای اهل ایمان؛ از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظنّ و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم ) تجسس مکنید....» در نظام اسلامی ، داشتن هر فکر و عقیده ای حق طبیعی شخص محسوب می شود و مادام که با حق اجتماع و حکومت و شعائر و ظواهر اسلامی تزامنی نداشته باشد ؛ وجهی برای تعرض و اعمال اکراه و اجبار برای تغییر یا کنار گذاشتن آن عقیده وجود نخواهد داشت .

ب) در آزادی تجلیات دینی و انجام مناسک مذهبی

نیایش جمعی و انجام مراسم مذهبی به صورت عرف و عادت بین همه ی دین باوران وجود دارد و در جوامع دارای اختلافات فرقه ای و مذهبی ، انجام اینگونه مراسم ، طبعاً بین گروههای مختلف ، ایجاد رقابت و حتی دشمنی می کند . با وجود خصیصه ی مکتبی حاکم بر جامعه ی ایران و حاکمیت قوانین اسلامی بر تمام امور و شئون جامعه<sup>۲</sup> و رسمیت دین اسلام و

<sup>۱</sup> - اصل چهل قانون اساسی کشورمان در این باره مقرر می دارد : « هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد . »

<sup>۲</sup> - اصل چهارم قانون اساسی مقرر می دارد : « کلیه قوانین و مقررات مدنی ، جزایی ، مالی ، اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی ، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد . این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است . »

مذهب تشیع<sup>۱</sup>، قانون اساسی در اصل دوازدهم، ضمن احصاء سایر مذاهب اسلامی شامل حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی، به صراحت، پیروان این مذاهب را در انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی طبق فقه خودشان آزاد می‌داند. در کنار اکثریت مسلمانان، اقلیت‌های غیر مسلمان نیز در کشور وجود دارند که با داشتن تابعیت ایران، از اعضای ملت محسوب می‌شوند و بر اساس اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی، از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار می‌باشند. قانونگذار اساسی در اصل سیزدهم، ضمن شناسایی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به عنوان تنها اقلیت‌های دینی، انجام مراسم دینی اقلیت‌ها را در حدود قانون آزاد دانسته است. این آزادی باید که در حدود قوانین اسلامی حاکم بر جامعه باشد؛ چرا که ممکن است به همراه برخی اعمال عبادی آنان، مراسمی وجود داشته باشد که انجام علنی آن در جامعه مسلمین، حرام و خلاف قانون محسوب شود. شایان ذکر است که اذن در انجام مراسم دینی، اذن در تأمین لوازم آن از جمله تأسیس و برپایی معابد رسمی نیز می‌باشد<sup>۲</sup>. امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی در باب حقوق اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌گویند: «... تمام اقلیتهای مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مسلمانان ایرانی محترم هستند.<sup>۳</sup>» با نگرش بر اصل چهاردهم<sup>۴</sup> و استنباط از دیگر اصول قانون اساسی مشاهده می‌کنیم غیرمسلمانانی که رسمیت ندارند، حق برخورداری از اخلاق حسنه و قسط و عدل و برخورد منصفانه را در معاشرت‌های متداول خود دارا می‌باشند و از حقوق انسانی همچون حق حیات، امرار معاش، تحصیل و کار که برای همه‌ی شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیضی مقرر است<sup>۵</sup>، بهره‌مند می‌باشند. بنابراین نظام اسلامی نباید به خاطر عقیده غیراسلامی و باطل و منحرف آنان، تا زمانی که در ابراز آن مرتکب فساد نشده‌اند، آنان را در مضیقه قرار دهد<sup>۶</sup>. باید افزود علی‌رغم عنایت قانون اساسی به حقوق غیر شیعیان امامیه و اقلیت‌های دینی و تصریح مواردی مانند لزوم احترام به آنان و رسمیت فقه و آداب آیینی آنان در تعلیم و تربیت دینی و

<sup>۱</sup>- اصل دوازدهم قانون اساسی

<sup>۲</sup>- وکیل، امیرساعد، عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰

<sup>۳</sup>- موسوی الخمینی، روح الله، ۱۳۶۱، در جستجوی راه از کلام امام (ره)، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ص ۲۰۶

<sup>۴</sup>- اصل چهاردهم قانون اساسی بیان می‌دارد: «به حکم آیه شریفه «لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجکم من ديارکم ان تروههم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

<sup>۵</sup>- مستنبط از اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی

<sup>۶</sup>- هاشمی، همان، صص ۳۳۸-۳۳۷

احوال شخصیه شان و حق تشکّل و تحزّب<sup>۱</sup> و نمایندگی مجلس<sup>۲</sup> و ....؛ ابتدای نظام سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی بر عقیده و مسلک مشخص و اعلان دین اسلام و مذهب شیعه ی اثنی عشری به عنوان دین رسمی کشور<sup>۳</sup>، طبعاً اقتضاء می کند که موازین دین اسلام و مذهب تشیع عملاً در سیاستگذاری ها، قانونگذاری و اداره ی امور عمومی حاکم باشد و اقلیت های دینی نیز ناگزیر به تبعیت از این رسمیت و انصراف از قسمتی از آیین خویش باشند. این امر برخی محدودیت ها را برای گروهی از مردم کشور به دنبال می آورد و اصل پُرصلابتِ حقوقِ برابر اهالی را از عمومیت می اندازد. به علاوه اختیار حکومت در عدم شناسایی برخی ادیان و باورها و در نتیجه عدم ترتّبِ حقوق و آزادی های شناخته شده اقلیت های دینی رسمی برای آن ادیان و باورها، مورد مناقشه ی جدی و خلافِ نصوصِ روشنِ اسناد حقوق بشری است که عنوانِ عقیده و مذهب در آنها، بصورت مطلق و بدون ذکر منشاء توحیدی یا غیر توحیدی بیان گردیده است. به عبارت دیگر، مذهب در گفتمانِ حقوق بشری معاصر، لامذهبی را نیز دربر می گیرد و به تصریح کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، مذهب هم شامل اعتقاد به آموزه های مذهبی و هم شامل عدم اعتقاد به حقانیت آنها می باشد<sup>۴</sup>.

## نتیجه گیری

در نوشتار حاضر، سعی بر آن داشتیم تا جایگاه آزادی مذهب در نظام بین المللی حقوق بشر را از حیث مفهومی مورد تحلیل قرار دهیم و تفاهم یا تباین آن با آموزه های شرع انور و منابع الزام آور حقوق داخلی را روشن سازیم. با بررسی های به عمل آمده می توانیم مُراد از آزادی و بردباری مذهبی را شامل شناسایی و تضمینِ قانونیِ حق و آزادی یک فرد یا گروه برای اعتقاد، رعایت و ابراز آموزه ها و باورهای دینی در خلوت یا در سطح اجتماع و حق بر تغییر دین و پیروی نکردن از هیچ آیینی بدانیم. جنبه های قابل استنباط از اسناد بین المللی حقوق بشر اعم از اعلامیه جهانی، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نظریه های تفسیری کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه ی آزادی مذهب را می توان در چهار مؤلفه ی حق برانتخاب

<sup>۱</sup>- اصل بیست و ششم قانون اساسی اشعار می دارد: « احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. »

<sup>۲</sup>- به موجب اصل شصت و چهارم قانون اساسی: « عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند. محدوده حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می کند. »

<sup>۳</sup>- اصل دوازدهم قانون اساسی مقرر می دارد: « دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است ..... »

<sup>۴</sup> - General Comment No. 22: Article 18 (Freedom of Thought, Conscience or Religion) Adopted at the Forty-eighth Session of the Human Rights Committee on 30 July 1993

مذهب و ممنوعیتِ تحمیل عقیده؛ آزادی تجلیات دینی و انجام مراسم مذهبی، حقّ بر تغییر عقیده و مذهب و برابری و عدم تبعیض مذهبی برشمرد. در رابطه با مقوله ی نخست، در پرتو آیات شریفه قرآنی اثبات نمودیم که حق برانتخاب مذهب و ممنوعیتِ تحمیل عقیده از بایسته های ایمان حقیقی مسلمانان است و از نظر دین مبین اسلام، اصل مترقی لزوم تفکر در پذیرش عقیده و مذهب، نه تنها آزاد؛ بلکه لازم نیز می باشد. به علاوه بیان داشتیم آنچه در زمینه ی لزوم جهاد با کفار در منابع دینی مطرح شده، متضمّن وجوب دفاع و مقابله با ستمگران و کسانی که مانع نشر عقیده ی توحیدی شده و آزادی مذهبی موخّدین را سلب و کرده آنان را مورد آزار قرار می دهند، می باشد و هدف اصلی جهاد، مقابله و تلاش برای احقاق حقوق مشروع مسلمین است نه تحمیل عقیده. مضاف بر آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز صراحتاً تفتیش عقاید را ممنوع اعلام کرده است.

در رابطه با آزادی تجلیات دینی، دین اسلام با تجویز انعقاد قرارداد ذمه بین مسلمین و اهل کتاب، زمینه زندگی مسالمت آمیز بین آنان را فراهم آورده و انجام مراسم مذهبی با امنیت کامل بصورت انفرادی یا جمعی در معابد و اماکن مخصوص را برای اقلیت های دینی به رسمیت شناخته است. اصل سیزده قانون اساسی نیز این حق را مورد شناسایی قرار داده و منطقاً بایستی اذن قانون اساسی در انجام آزادانه مراسم مذهبی در حدود قوانین اسلامی حاکم بر جامعه را، مستلزم اذن در لوازم این حق، یعنی تأسیس و نگهداری معابد و اماکن عبادی اهل کتاب دانست.

در رابطه با حقّ بر تغییر مذهب، بند یک ماده هجده اعلامیه ی جهانی حقوق بشر به صراحت، داشتن آزادی عقیده و مذهب را مستلزم وجود حق تغییر دین می داند و کمیته حقوق بشر ملل متحد نیز براین باور است که حق انتخاب و تغییر مذهب، هرکدام رویی از سکه ی آزادی مذهبی اند و نتیجه ی ضروری صرفِ پیش بینی حق انتخاب مذهب دلخواه در ماده ی هجده میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق تغییر مذهب است. در تحلیل نسبت میان رجوع به کفر و ارتداد با آزادی مذهب، رهیافت اصلی نوشتار آن است که همانگونه که درابتدای پذیرش دین، اصل ممنوعیت اجبار مطرح است و ایمان حقیقی از دسترس اجبار واکراه خارج دانسته می شود، اجبار در بقاء و استمرار ایمان نیز ممکن و کارساز نیست و تا جایی که ارتداد، محدود به ایمان معنوی فرد و رابطه ی قلبی اش با خداوند باشد، اجبار سودی نخواهد داشت و به نوعی فرد را باید به حال خود گذاشت تا از میان سعادت و شقاوت یکی را برگزیند. در مقابل، چنانچه ارتداد از قلمرو ایمان قلبی و رابطه فرد با پروردگارش خارج شود و به اقداماتی به زیان جامعه و دولت اسلامی منجر گردد، دیگر صرف عنوان گناه بر آن صدق نمی کند؛ بلکه گناهی است که به جرم تبدیل شده و قابل مجازات است.

درگفتمان حقوق بشر، تبعیض مذهبی ازسویی ناقض اصل عام منع تبعیض در بهره مندی از حقوق و آزادی های اساسی و از سوی دیگر، ناقض آزادی مذهب به طور خاص می باشد. در اکثر اسناد حقوق بشری، مذهب در کنار موضوعاتی دیگر نظیر

زبان ، نژاد ، رنگ ، ملیت و ... به عنوان یکی از مواردی که نمی تواند منشاء تفاوت و تبعیض در بهره مندی از حقوق انسانی باشد ، مورد تأکید قرار گرفته است . از این حیث ، آخرین مؤلفه آزادی مذهب ، یعنی برابری و عدم تبعیض مذهبی ، واجدِ بیشترین چالش با آموزه های اسلامی و نظام حقوقی ایران به نظر می رسد ؛ چرا که سیری اجمالی در احکام اسلام و قوانین داخلی ناظر بر نکاح ، ارث ، قصاص نفس یا عضو ، مقدار دیه ، حد قذف و ... مؤید آن است که شناسایی حقوق برابر برای انسان به صرف انسانیت و فارغ از عقیده و مذهب وی ، اساساً مورد پذیرش قرار نگرفته است . به عبارت دیگر ، در گفتمان اسلامی ، این ایمان و اسلام است که منشاء حقوق است نه صرف انسانیت انسان و آحاد بشر از حیث اینکه چه دینی دارند ، از حقوق متفاوت برخوردارند . لذا باید اذعان داشت که تنها برابری و عدم تبعیض مذهبی به عنوان یکی از بایسته های مفهومی آزادی مذهب ، با احکام اسلام و محتوای قوانین داخلی در تعارض است و سایر مؤلفه های حیاتی آزادی مذهب که در نظام بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده ، در دستگاه فقهی و حقوقی کشورمان قابل بازیابی به نظر می رسند .



## فهرست منابع

- ۱) زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه ی جواهر کلام، علی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۴۵
- ۲) طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰
- ۳) قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، دفتر یکم، ۱۳۹۰
- ۴) کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۶
- ۵) کدیور، محسن، حقّ النَّاس (اسلام و حقوق بشر)، تهران، نشر کویر، چاپ چهارم، ۱۳۸۸
- ۶) گرجی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸
- ۷) مهرپور، حسین، دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، ۱۳۷۰
- ۸) موسوی الخمينی، روح الله، در جستجوی راه از کلام امام (ره)، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۶۱
- ۹) هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۱۰) هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، جلد اول (اصول و مبانی کلی نظام)، ۱۳۸۵
- ۱۱) وکیل، امیر ساعد، عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۸
- 12) General Comment No. 22 : Article 18 (Freedom of Thought, Conscience or Religion) Adopted at the Forty-eighth Session of the Human Rights Committee on 30 July 1993
- 13) G. Danchin , Peter , “ Freedom of religion and the conflict of rights in International law” , University of Maryland, school of law, legal studies research paper, volume 49, number 2, summer 2008

## «ضمیمه»

### « اعلامیه امحاء تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مذهبی مصوّب مجمع

#### عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ »

مجمع عمومی، این اعلامیه را در مورد تمامی اشکال تبعیض و نابردباری مبتنی بر دین یا عقیده اعلان می نماید:

#### ماده ی یک)

۱- هر کس حق آزادی فکر، وجدان و دین دارد. این حق، شامل آزادی داشتن دین یا عقیده ای به انتخاب خود و نیز آزادی ابراز دین یا عقیده به صورت فردی یا دسته جمعی و بطور خصوصی یا علنی در عبادت و اجرای تعالیم دینی یا مذهبی می باشد.

۲- هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن دین یا عقیده ای به انتخاب خودش لطمه ای وارد آورد.

۳- آزادی ابراز دین یا عقیده را نمی توان تابع محدودیتهایی قرار داد، جز آنچه به موجب قانون پیش بینی شده باشد و صرفاً برای تأمین آرامش، نظم، بهداشت عمومی یا اخلاق حسنه یا حقوق و آزادی های دیگران ضرورت داشته باشد.

#### ماده ی دو)

۱- هیچ کس توسط هیچ دولت، مؤسسه، فرد یا گروه، در زمینه ی دین یا عقیده تحت تبعیض قرار نمی گیرد. ۲- از نظر اعلامیه ی حاضر، اصطلاح تبعیض و نابردباری مبتنی بر دین یا عقیده به معنای هر گونه تمایز، محدودیت یا ترجیح براساس دین یا عقیده می باشد و با داشتن این هدف یا اثر که شناسایی، برخورداری یا اجرای حقوق و آزادی های اساسی را بر مبنای تساوی منتفی سازد و بدان لطمه وارد آورد.

#### ماده ی سه)

تبعیض بین افراد بشر براساس دین یا عقیده، بی حرمتی به حیثیت انسانی و انکار اصول منشور ملل متحد است و به عنوان نقض حقوق و آزادی های اساسی اعلان شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر که به تفصیل در میثاقهای حقوق بشر بیان شده و به عنوان مانعی برای دوستی و روابط صلح آمیز ملل، محکوم می گردد.

#### ماده ی چهار)

۱- تمامی دولتها اقدامات مؤثری را به منظور امحاء و پیشگیری از تبعیض درباره ی دین یا عقیده و درجهت شناسایی ، اجرا و بهره مندی از حقوق بشر و آزادی های اساسی در تمامی زمینه های زندگی اعم از مدنی، اقتصادی، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی انجام خواهند داد . ۲- تمامی دولتها کلیه ی مساعی خود را در صورت لزوم برای وضع یا لغو قوانین ، به منظور ممنوعیت هرگونه تبعیض از این قبیل به کاربرده و برای مبارزه با نابرداری در باب دین یا عقیده ، تمامی اقدامات مقتضی را صورت خواهند داد .

### ماده ی پنج (

۱- والدین یا حسب مورد سرپرستان قانونی کودک حق دارند که زندگی را در داخل خانواده بر اساس دین یا عقیده ی خود سامان دهند و کودک بایستی با توجه به دین یا عقیده ای که آنها عقیده دارند، تحت آموزش اخلاقی قرار گیرد . ۲- هر کودکی ازحق دسترسی به آموزش در باب دین یا عقیده بر طبق تمایلات والدینش یا حسب مورد سرپرست قانونی اش برخوردار می باشد و مجبور نخواهد بود که در زمینه ی دین یا عقیده ، تحت آموزش هایی قرار گیرد که با تمایلات والدین یا سرپرست قانونی اش ، مغایر است . بهترین مصلحت کودک در این زمینه به عنوان یک اصل راهگشا مد نظر قرار خواهد گرفت . ۳- کودک بایستی از هرگونه تبعیض دزمینه ی دین و عقیده مصون باشد . او بایستی در پرتو روح تفاهم ، بردباری ، دوستی میان ملل، صلح و برادری جهانی ، احترام به آزادی مذهب یا عقیده ی دیگران و با آگاهی کامل به اینکه توان واستعدادش می بایست وقف خدمت به هموعش گردد ، تربیت شود . ۴- در صورتی که کودک تحت مراقبت والدین یا سرپرستان قانونی نباشد ، تمایلات صریح آنان یا هرگونه اماره ی دیگری که نشانگر تمایل آنان در موضوع دین یا عقیده باشد و با لحاظ اینکه بهترین مصالح طفل به عنوان اصل راهگشایی در این موضوع است ، مد نظر قرار می گیرد . ۵- اعمال و برنامه های دینی که برای کودک در نظر گرفته می شود بایستی به گونه ای باشد که برای سلامت جسمی یا روانی یا رشد کامل وی زیانبار باشد و بدین منظور، بند ۳ ماده ی یک اعلامیه ی حاضر مد نظر قرار می گیرد.

### ماده ی شش (

طبق ماده یک اعلامیه ی حاضر و به موجب مقررات بند ۳ ماده ی یک ، حق آزادی فکر، وجدان، دین یا عقیده از جمله آزادی های زیر را شامل خواهد شد :

الف) عبادت یا اجتماع در ارتباط با دین یا عقیده و تأسیس و نگهداری مکانهایی برای این اهداف

ب) تأسیس و نگهداری مؤسسات خیریه و بشردوستانه ی مقتضی

ج) ساختن ، بدست آوردن و استفاده از مقدار مناسب مواد و لوازم مربوط به مراسم و آیین های مذهبی

د) نوشتن ، نشر و پخش نشریات مناسب در این مورد

ه) تعلیم دین یا عقیده در مکانهای مناسب برای این اهداف

و) درخواست و دریافت کمک های مالی داوطلبانه و سایر مشارکتهای توسط افراد و مؤسسات

ز) مراعات ایام استراحت ، بزرگداشت اعیاد و مراسم طبق عقیده ی هر فرد

ط) برقراری و حفظ ارتباط با افراد یا جوامع دیگر در امور مربوط به دین یا عقیده در سطح داخلی و بین المللی

### **ماده ی هفت )**

حقوق و آزادی هایی که در اعلامیه ی حاضر تدوین شده است ، بایستی به گونه ای در قوانین داخلی وارد شوند که هر فردی در عمل قادر باشد به آنها دسترسی داشته باشد .

### **ماده ی هشت )**

ضوابط مندرج در اعلامیه ی حاضر نباید به گونه ای تفسیر شود که حقوق شناسایی شده در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین المللی حقوق بشر را ، محدود یا ملغی نماید .